

ادبیات کودک و نوجوان به زبان اسپانیایی

Maria victoria sotomayor sáez

■ ماریا ویکتوریا سوتومايور سائز

دانشگاه ائوتونمای مادرید

(۱۷۸۲) به مرحله انتشار رسیدند. البته در کنار این آثار، می‌توان آثار نویسنده فرانسوی، **لافونتن** (La Fontaine) را نام برد که سهم به سزایی در «تعلیم و تربیت همراه با لذت» داشت که نگرشی است که در اکثر آثار کودک در قرن ۱۹ به چشم می‌خورد.

نگرش یاد شده، ثمره طبیعی تفکر روشنفکران بوده است. همچنین در اواخر قرن ۱۸، اولین روزنامه کودک و نوجوان، به نام «روزنامه رسمی کودکان» به چاپ می‌رسد. این رویداد برای اولین بار در ۱۷۹۸ اتفاق می‌افتد و در پی آن، روزنامه‌های بسیار دیگری نیز در طی قرن ۱۹ از قبیل «موزه کودکان»، «آموزش پررنگ و لعاب»، «کودکان» و غیره چاپ می‌شوند.

طی بخش اعظمی از قرن ۱۹، کتاب‌های کودک دارای ویژگی‌های آموزشی و اخلاقی هستند.

روزنامه‌ها، کتاب‌های درسی، تجدید چاپ‌های حکایات و داستان‌های اخلاقی و کتاب‌های آموزشی، بخش اعظم دنیای خوانندگان کودک و نوجوان را تشکیل می‌دهند. در این داستان‌ها،

برخی تاریخ‌نویسان، برای تعیین مآخذ متون مربوط به ادبیات کودک در اسپانیا، تا قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی به عقب بازمی‌گردند. آنها به آثار **هم‌چون Romancero** (مجموعه داستان‌های منظوم)، کنت لوکانور، از دون خوان مانوئل (قرن چهاردهم)، حکایاتی هم چون کلیله و دمنه (قرن ۱۵)، کتاب‌های داستان پهلوانی و عیاری و شرح حال قدیسان از قرن شانزدهم، تاریخ‌های - روایی عاشقانه و ماجراجویانه، نمایش‌های اولیه مردمی و مجموعه‌هایی از سنت فولکلور، به عنوان آثاری که در دسترس کودکان قرار داشتند و برای سرگرمی آن‌ها به کار برده می‌شد، اشاره می‌کنند. بدون شک، در قرن نوزدهم است که دیگر می‌توان از ادبیات کودک، با ابعاد تعریف شده‌تری صحبت کرد؛ هر چند برخی اقدامات آموزشی هم در قرن ۱۸ انجام شده بود. در بخش پایانی قرن ۱۸، تعدادی مجموعه داستان و حکایت وجود داشت که از بین آن‌ها «حکایات اخلاقی»، اثر **توماس ایریبارته** (Tamás de Iriarte) و «حکایات ادبی» **فلیکس ماریا دسامانیگو** (Félix Maria de Samaniego)

روزنامه‌ها، کتاب‌های درسی، تجدید چاپ‌های حکایات و داستان‌های اخلاقی و کتاب‌های آموزشی، بخش اعظم دنایای خوانندگان کودک و نوجوان را تشکیل می‌دهند. در این داستان‌ها، ادبیات پویا، جذاب و آزاد در زمینهٔ تعلیم و تربیت، ادبیات شفاهی بود که طی قرون ۱۸ و ۱۹، منبع اصلی تجربیات ادبی برای کودکان اسپانیایی محسوب می‌شد

خواندن را به هر طبقهٔ اجتماعی می‌دهد. این کار در ابعادی صورت می‌گیرد که تاکنون مانند آن وجود نداشته و راهی را می‌گشاید که بعد از آن انتشارات دیگر، گام در آن راه می‌نهند. این انتشارات از ترجمه‌ها، اقتباس از داستان‌های سنتی و داستان‌های نویسندگان معاصر تغذیه می‌کند و بهترین تصویرسازان و هنرمندان عصر را در اختیار دارد.

تغییر قرن، با خود تغییر دیدگاه و تفکر را به همراه می‌آورد: نگرش‌های نو و پیشنهاد‌های جدیدی که در ادبیات کودک هم بی‌تأثیر نیستند. مجلات جدیدی ظهور می‌کنند، مانند مردم خردسال (۱۹۰۶)، تعداد انتشاراتی که برای کودک کتاب چاپ می‌کنند، رو به افزایش می‌گذارد و

ادبیات پویا، جذاب و آزاد در زمینهٔ تعلیم و تربیت، ادبیات شفاهی بود که طی قرون ۱۸ و ۱۹، منبع اصلی تجربیات ادبی برای کودکان اسپانیایی محسوب می‌شد. چه در انواع منظوم و چه در انواع روایی خود، این نوع ساختارهای ادبی، قرون مختلف را دهان به دهان در نوردیدند تا این که جنبش رومانتی سیسم، آن‌ها را آینه واقعی روح مردمی تلقی کرد. از یک طرف بازی‌ها، سرودها، و خطابه‌ها که مجموعه داستان‌های منظوم کودک را تشکیل می‌دادند، قرار داشتند و از قرن ۱۶ و ۱۷ به بعد گردآوری شده بودند و از طرف دیگر داستان‌های سنتی شفاهی که برای خلق داستان‌های مکتوب مفید بودند. تمامی این مواد اولیه ادبی مردمی، در اواخر قرن ۱۹ مورد توجه خاصی قرار می‌گیرد و مجموعه‌هایی برای اقتشار مختلف خوانندگان، نه فقط کودکان به چاپ می‌رسند. فرنان کابایرو (نام مستعار سیسیلیا بهل و فابر، ۱۷۹۶-۱۸۷۹) قدم بسیار ارزشمندی در گردآوری آثار برمی‌دارد و بسیاری از داستان‌هایش را در روزنامه‌های کودک به چاپ می‌رساند. به علاوه داستان‌هایی در قالب کتاب جمع‌آوری می‌کند. هم‌چنین **آنتونیو تروثیا، لوئیس کولوما و خوان والرا** برای کودکان در آخرین دههٔ قرن ۱۹ داستان می‌نویسند.

ایجاد انتشارات کابخا در سال ۱۸۷۶، یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخی ادبیات کودک در اسپانیا به شمار می‌رود. این اولین انتشارات است که خود را مسئول توجه به نیازهای کودکان، با تفکرات و ایده‌های جدید تربیتی و ادبی می‌داند و در زمینه انتشار همه جانبه و فراگیر کتاب کودک تلاش می‌کند. تعداد انبوهی کتاب که به صورت طیف وسیعی در مجموعه‌های مختلف منتشر می‌شوند، سیاست مناسب در قیمت‌گذاری، توجه به تصویرسازی و کیفیت ظاهری کتاب‌ها، جزو خصیصه‌های بارز این انتشارات است که امکان

در دهه ۳۰، ادبیات کودک در اسپانیا به طور کامل از استحکام و شناخت روشن برخوردار است، ولی جنگ داخلی (۱۹۳۹ - ۱۹۳۶)، این روند را در هم می‌شکند و وضعیت فرهنگی ضعیف و رو به زوالی ایجاد می‌کند

هم‌چنین تعداد خوانندگان افزایش پیدا می‌کند. زمینه ساز همه این‌ها، حرکت مهم تربیتی است که در دهه ۳۰، سوادآموزی را گسترش می‌دهد و مدارس و کتابخانه ایجاد می‌کند.

به علاوه در ثلث اول قرن بیستم، دستیابی به سطح چشم‌گیری از خلاقیت مقدور می‌شود؛ هم به سبب تعداد نویسندگانی که برای قشر کودک می‌نویسند و هم به سبب نوآوری‌هایی که آنان در آثار خود دارند.

در ادبیات روایی، سنت و آونگارد (نوآوری)، رئالیسم و تخیل با یکدیگر همزیستی می‌کنند. **النافورتون**، از طریق رئالیسم و شخصیت‌هایش مانند سلیا، کوچی فرپتین و برخی دیگر، در ترکیب خردمندان‌های از طنز، نقد اجتماعی و تطابق ادبی، دنیای کودک را تعریف می‌کند.

سالوادور بارتولوستی هم به نوبه خود، از طریق تخیل یا بهتر بگوییم ترکیب آن با رئالیسم، با شخصیت‌های پینوکیو، چاپته، پیپو، پیپا، به ادبیات کودک می‌پردازد. تصویرسازی‌های آن‌ها، در ضمن، جدیدترین و نوگرایانه‌ترین گرایش‌های دهه ۲۰ را به نمایش می‌گذارد. جنبش‌های نوگرایانه‌ای که ادبیات اسپانیایی آن سال‌ها را هم

تحت تأثیر می‌گذارند، با آثار **ماریا ترسالنون**، **مانوئل آبریل** و **آنتونیو روبس** به نمایش گذاشته می‌شوند؛ با نوعی ادبیات پوچی و یک دنیای پیچیده و درهم‌ریخته.

شعر هم از دو راه مختلف توسعه پیدا می‌کند: اهمیت دادن دوباره به فولکلور و شعرهای مردمی و خلاقیت شعری برای کودکان. تألیفات ارزشمند و غنی از **فرناندو یورکا**، **سانچز روندا**، **النا فورتون**، **ماریا رودریگو** و برخی دیگر، در کنار اشعاری از شاعران شناخته شده مانند **گارسیا لورکا**، **رافائل آبرتی**، **خوان رامون خیمنز**، **آنتونیو ماچادو** و بسیاری دیگر نیز در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. فرض بر این است که تعلیم و تربیت ادبی و شعری کودکان، نمی‌بایست به طور ویژه در آثاری که به طور اختصاصی برای قشر کودک نوشته شده، متمرکز شود، بلکه باید برترین و مناسب‌ترین آن‌ها در میان غنای عظیم ادبی و شعری ادبیات اسپانیا که مخاطب به خصوصی نمی‌طلبد، تمرکز کند. در زمینه تأثر در این دوره، ابتکارهای جالب توجهی به چشم می‌خورد؛ مانند «تأثر کودکان» که **خاسینتو بناوتته** را برمی‌انگیزاند تا قطعات نمایشی مناسب کودکان را به صحنه نمایش بیاورد.

نویسندگانی چون **وایه اینکلان**، **لورکا**، **آبرتی**، **کاسونا** و **خود بناوتته**، آثاری ویژه کودک می‌نویسند و تعدادی قطعه نمایشی روی صحنه می‌روند که بسیار حائز اهمیت هستند و مورد تشویق و تأیید منتقدین قرار می‌گیرند. از بین آن‌ها نمایش‌های انجام شده توسط **بارتولوستی** (که صحنه پرداز هم بود) و **ماگدادوناتو** را می‌توان نام برد. هم‌چنین، مجلات کودک (مردم خردسال، پینوکیو و غیره) و نمون نمایشی‌ای که با هدف خوانده و اجرا شدن به وسیله خود کودکان نوشته می‌شدند نیز به چاپ می‌رسند.

کند، فرآیند بهبود و رشد در شعر کودک است که در دهه بعدی با خود دفاتر شعر **خایمه فرران**، **ماریا لوئیلا**، **مونیز بوئندیا** و **ماریا الویرا لاکاکی** را به همراه می‌آورد. اشعار و مجموعه‌های اشعار مردمی نیز در این سال‌ها به وفور به چشم می‌خورند که از میان آن‌ها زوزه باد از **آرتور ورینا** (۱۹۶۵) و شعر اسپانیایی برای کودکان از **آنا پلگرین** (۱۹۶۹)، از دیگر آثار برجسته‌ترند. تأثر هم چنان ژانری است که کم‌تر از انواع دیگر به آن اهمیت داده می‌شود؛ هر چند در دهه ۶۰ فعالیت‌های گروه‌های نمایش کودک قوت می‌یابد و آثاری با پیام‌های اجتماعی و سیاسی خاصی همانند آثار **لائورو المو** منتشر می‌شوند. از سال ۱۹۷۵ به بعد، دوره جدیدی در تاریخ اسپانیا، با استقرار دموکراسی پس از مرگ فرانکو و تنظیم یک قانون اساسی جدید که در سال ۱۹۷۸ به تصویب می‌رسد، آغاز می‌شود. واقعیت جدید ایالت‌های خودمختار، با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف خود، چهره متفاوتی به این

درده ۳۰، ادبیات کودک در اسپانیا به طور کامل از استحکام و شناخت روشن برخوردار است، ولی جنگ داخلی (۱۹۳۹ - ۱۹۳۶)، این روند را درهم می‌شکند و وضعیت فرهنگی ضعیف و رو به زوالی ایجاد می‌کند. این جنگ مشکلات بسیاری در پی داشت؛ چرا که با مرگ یا تبعید نویسندگان برجسته، سانسور و خفقان، نوعی نگرش که مانع هر گونه نقد، خیال‌پردازی و آزادی می‌شد، بر کشور سایه افکنده بود. همه‌چیز را به اجبار می‌بایستی از نو شروع کرد.

بدین ترتیب، از سال ۱۹۳۹ عقب‌گرد آشکاری صورت می‌گیرد و مجموعه تولیدات برای کودکان بسیار فقیر است؛ زندگی قدیسان، زندگی نامه قهرمانان ملی، داستان‌های کوتاه اخلاقی، اشعار میهن پرستانه. فقط برخی از نویسندگان پس از دهه ۵۰، با وجود تمامی مشکلات، موفق به حفظ سطح بالای کیفی در آثار خود می‌شوند: **بوریتا کاساس** (با شخصیت آنتونیتای عجیب و غریب)، **مونسرات دل‌امو**، **ماریا لوئیسا گافائل** یا **خوزه ماریا سانچز سیلوا** که با داستان «مارسلینو، نان و شراب»، جایزه **آندرسن** در ۱۹۶۸ را از آن خود کرد. او تنها نویسنده اسپانیایی بود که تا این زمان، این جایزه را دریافت کرد. سپس در دهه ۶۰ **ماریا ماتوته**، همین‌طور **کارمن کورتز**، **پیلارمولینا**، **خوآکین الگیده بیبرو** و برخی دیگر شروع به نوشتن برای کودکان می‌کنند. در این سال‌ها، یک جریان رئالیستی غالب می‌شود که راجع به زندگی روزمره و مهاجرت از روستا به شهر صحبت می‌کند و هم‌چنین رمان تاریخی، با قدرت زیادی گسترش می‌یابد.

در زمینه شعر، در دهه ۵۰ نخستین و حائز اهمیت‌ترین آثار برای کودک را **گلوریا فوئرتس** آغاز می‌کند و این آغاز بسیار آرام و

**با مرگ یا تبعید
نویسندگان برجسته،
سانسور و خفقان،
نوعی نگرش که
مانع هر گونه نقد،
خیال‌پردازی و آزادی
می‌شد، بر کشور سایه
افکنده بود. همه‌چیز را
به اجبار می‌بایستی از
نو شروع کرد**

**از سال ۱۹۷۵ به بعد،
دوره جدیدی در تاریخ
اسپانیا، با استقرار
دموکراسی پس از مرگ
فرانکو و تنظیم یک
قانون اساسی جدید که
در سال ۱۹۷۸ به تصویب
می‌رسد، آغاز می‌شود**

یادگیری زندگی و راهیابی به بلوغ با آن مواجه هستند. نویسندگانی چون **آلفردو پاسکوال**، از میان دیگران، در این نوع ادبیات حاوی احساسات، مشکلات، رشد، روابط شخصی و هیجانات مختلف، جایی که خواننده خود را بهتر می‌شناسد، به قلم زدن می‌پردازند. از طرفی هم **آنتونیومارتینز منچن** و **خوان فاریاس** در برخی از آثارشان یا **جوردی سیرا ای فابرای** چند پیشه، نویسندگانی هستند که داستان‌هایی از موقعیت‌های دشوار، جنگ و سال‌های پس از جنگ، ستیزه‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی و یا خشونت را روایت می‌کنند. ادبیات کودک و نوجوان، ادبیاتی بوده که با خلق داستان‌های شهری و رئالیستی، در موقعیت‌های حاشیه‌ای، بیش از هر چیز به این قبیل موضوعات اهمیت داده است. توجه وافر به موضوعات ناشی از چند فرهنگی بودن و یا مشکلات ناشی از مهاجرت و برخورد فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر، باعث حرکت عظیمی در ادبیات رئالیستی درگیر با دنیای پیرامون خود شد.

ادبیات کودک و نوجوان کنونی، توسعه چشم‌گیری در دهه‌ها و انواع بسیار شناخته شده‌ای هم‌چون رمان تخیلی، تاریخی، اسرارآمیز، پلیسی و بازنویسی

کشور می‌بخشد که ورود خود را به دهه ۸۰، با امید و آرزو و طرح‌های جدیدی برای زندگی آغاز می‌کنند. ترجمه‌های بی‌شماری از آثار کودک و نوجوان منتشر می‌شوند، ولی در عین حال نویسندگان اسپانیایی هم مقتدرتر می‌شوند. به این ادبیات، فرآیندهای گفت‌وگوی ادبی همگانی یاری می‌رساند تا ادبیات کودک و نوجوان، به عنوان یک ژانر خلاق و با ویژگی‌های جدیدتری، رشد و توسعه یابد. فرآیند کند بهبود ادبیات کودک در سال‌های پس از جنگ، در سال‌های آخر دهه ۷۰ قوت می‌گیرد. نویسندگان و ناشران بی‌شمار، جوایز جدید و انگیزه‌هایی برای خواندن، دیدگاه‌های جدید در زمینه آموزش و کتابخوانی و نوعی شناخت اجتماعی که هر دم جا افتاده‌تر می‌شود، عوامل سرعت بخشیدن به این فرآیند محسوب می‌شوند.

تأثیر پر قدرت جیانی روداری (Giani Rodari)، ادبیات کودک اسپانیایی را به سمت تخیل و فانتزی سوق می‌دهد و این همگام است با حال و هوای آزادی، جشن و فرهنگ ضد استبدادی که در کشور حکمفرماست. اولین آثار **خوان مانوئل گیسبرت** (صحنه‌های تخیلی و عجیب و غریب)، **جولز سنل** (راهنمایی تخیلی) یا **میگل اوبیولس** (آه فیلومنا! فیلومنا و قصه‌های دیگر) هر کدام نمونه‌ای از این گرایش هستند که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ حکمفرماست.

در نیمه آخر این دهه، رئالیسم در پردازش به موضوعات مختلف، از طریق دو گرایش که هر کدام به شکل نامتساوی گسترش پیدا کرده‌اند، به عنوان گزینه ثانویه‌ای در کنار تخیل و فانتزی معرفی می‌شود: رئالیسم انتقادی یا نارضایتی اجتماعی و «ادبیات روحی -- روانی» که به ستیزه‌های فردی در محیط زندگی روزمره می‌پردازد؛ مشکلاتی که کودکان و نوجوانان در

و اما در مورد رمان تاریخی که از دهه ۷۰، رشد شایانی توسط نویسندگان اسپانیایی پیدا کرد، باید بگوییم که ثمره‌های بسیار ارزنده‌ای با آثاری هم چون «رازولازکوئز» از **الیاسر کانسینو** (Eliacer Cansino)، سرزمین خورشید و ماه از **کنچالوپز ناروائز** (Concha Lopez Narvaez)، طلای رویاها از **خوسه ماریا مرینو** (Jose Maria Morino) و هم‌چنین در برخی رمان‌های **پاکو کلیمنت** (Paco Climent)، **اسیابل مولینایا** (Isabel Malina) یا **آنتونیو مارتینز منچن** (Antonio Martinez Menchen) داشته است. حضور داستان سنتی و یا افسانه‌ها در ادبیات کنونی هم بسیار جالب توجه است؛ چه در قالب تجدید چاپ، گردآوری یا اقتباس و چه در قالب منبعی برای خلق متون جدید. در این مورد آخر، می‌توان به آثار **کارمن مارتین گایته** (Carmen Martin Gaithe) «قلعه سه دیواره» یا «شنل قرمزی در منهن»، یا آثار **آنا ماریا ماتوته** (Ana Maria Matute) «پایان واقعی زیبای خفته» و «پادشاه گودی فراموش شده»، **میگل آنخل فرناندز پاچکو** (Miguel Angel Fernandez Pacheco) «کفش‌های مورانو» و **آنتونیو رودریگس آلمودور** (Antonio Rodriguez Almodovar) «جنگل رویاها» اشاره کرد که به سبب آن جایزه ملی ادبیات کودک ۲۰۰۴ را از آن خود کرد و نوعی بازنویسی است برگرفته از قصه‌گویی سنتی. وی تحقیقات بسیاری هم در این زمینه داشته است.

در کنار این آثار که تقریباً همه آن‌ها برای مخاطب نوجوان نوشته شده‌اند تا کودک (چرا که پیچیدگی روایی دارند)، در سال‌های اخیر تولید برای کودکانی که هنوز توانایی خواندن ندارند، افزایش یافته است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان

داستان‌های سنتی واصل یافته است. رمان تخیلی، با گرایش به سمت نوعی فانتزی که ریشه در آثار **تولکین** (Tolkien) دارد و هم‌چنین روایت‌هایی با موضوع دنیای آینده و یا علمی - تخیلی، یکی از جا افتاده‌ترین گرایشات را میان خالقان و ناشران مختلف تشکیل می‌دهد و از طرف مخاطبین هم هر روز با استقبال بیش‌تری روبه‌رو می‌شود. از کسانی که در دهه ۹۰ آثاری تخیلی نوشتند، می‌توان به **خوسه ماریا مرینو** (Jose Maria Merino) (قطارهای تابستانی / من یک کتاب نیستم که به سبب آن برنده جایزه ملی ادبیات کودک در ۱۹۲۲ شد) یا **جوردی سیرا ای فابرا** (... در جایی به نام زمین) تا مجموعه سه‌گانه خاطرات ایدهون که در حال حاضر **لائورا گانگو** (Laura Gango) در حال چاپ کردن آن است، اشاره کرد. فهرستی بسیار طولیل از عناوینی که همراه با ترجمه‌های بی شماری که از ژانر تخیلی تا به اکنون شده است، کتابخانه‌ها و کتاب فروشی‌ها را پر کرده‌اند. هم‌چنین روایاتی با موضوعات اسرارآمیز، پلیسی یا کارآگاهی که به موفقیت بزرگی دست یافته‌اند؛ با مجموعه‌ای که شخصیت اصلی آن فلاناگان، نوجوانی است که رفتار کارآگاهان را تقلید می‌کند. این مجموعه، توسط **آندریو مارتین** (Andreu Martin) و **جانومه ریبرا** (Jaume Ribera) خلق شد. همین‌طور اثر معروف «در چافارسیناس خواهی مرد» از **فرناندو لالانا** (Fernando La lana)، در بین مخاطبین، به موفقیت بزرگی دست یافت. رمان‌های با موضوعات اسرارآمیز و با گرایش به ژانر ترسناک هم در این میان جای خوبی برای خود دست و پا کرده‌اند؛ به عنوان مثال، در «سایه گربه» و روایت‌های ترسناک دیگر، از **کنچالوپز ناروائز** (Concha Luis Narvaez).

شده. سرزمین زمان گم شده و اشک‌های آفتاب هم دو جلد بعدی این سه گانه را تشکیل می‌دهند. این زمان به زمان استعمار آمریکا برمی‌گردد و داستان جوانی به نام میگل ویجاسه بوتل را روایت می‌کند. او پسر یکی از افراد هرنان کورتز و یک زن سرخ‌پوست مکزیکی است که در نیروی اعزامی سفر اکتشافی، به سرپرستی فرمانده پدرو رورتدا (Pedro de Rueda)، در جست‌جوی یک پادشاهی افسانه‌ای مملو از غنایم و کاخ‌های طلایی است. این کاوش در سرزمین‌های آمریکایی، باعث پخته شدن اومی‌شود؛ چرا که ما در مقابل روایتی از ماجراجویی‌ها و یادگیری‌هایی قرار داریم که در عین حال، از واقعیت‌های کلیدی و مهم قرن ۱۶ در اسپانیا و آمریکا پرده برمی‌دارد: واقعه تاریخی فتح آمریکا، در کنار جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و ادبی آن. این کتاب از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که در این سفر، در پی هم اتفاق می‌افتند. روایت با زبانی غنی و شیوا، مشکلات ناشی از برخورد فرهنگ‌های مختلف را بیان می‌کند. در عین حال که از طریق خود شخصیت‌های داستان، فهم و درک متقابل دو شرط لازم برای مقابله با چنین مشکلاتی معرفی می‌شوند. داستان یک مرغ دریایی و گربه‌ای که به او پرواز را آموخت، از **لونیس سپولودا** (Luis Sepúlveda) (بارسلون، توسکتس، ۱۹۹۶، آنداناسز ۲۸۰)، داستانی است از حیوانات که با سادگی، زیبایی و اثر بخشی روایت شده و با ما راجع به دوستی، احترام به تفاوت‌ها و هویت هر شخص، شجاعت و یادگیری در زندگی صحبت می‌کند. این رمان، قصه یک مرغ دریایی است به نام «خوش‌شانس» و یک گربه به نام «زرباس» که می‌بایستی به او پرواز را بیاموزد. مادر «خوش‌شانس» که یک مرغ دریایی نقره‌ای است، در دریای شمال در توفان گیر می‌افتد، اما قبل از مردن، تخمی می‌گذارد و از گربه می‌خواهد که

به کتاب - بازی، کتاب تصویری یا داستان‌های ساده برای این که توسط یک بزرگسال برای کودک خوانده شوند، اشاره کرد. شعر در کشور ما در نقطه اوج خود قرار دارد. شعرای بی‌شمار با اشعار عالی و غنی خود، از اهمیتی که به این نوع ادبی در تربیت ادبی داده می‌شود، حکایت می‌کنند. آثار مکتوبی برای کودکان، همانند آثار **آناماریا رومرو یبرا** (Maria Romero Yebra)، **کارلوس مورسیانو** (Carlos Muraiano)، **آنتونیو گومزیرا** (Antonio Gomez Yebra)، **ایکس تورتوسا** (Ayex Tortosa) و **کارلوس رویفو** (Carlos Reviejo) و غیره... منتشر می‌شوند؛ مانند مجموعه‌های گردآوری شده از اشعار فولکلور کودکان و گلچین‌های ادبی بی‌شمار و تجدید چاپ آثار نویسندگان کلاسیک که برای مخاطب کودک و نوجوان بسیار مناسب هستند. نمایش، بدون شک، ژانری است که در اقلیت قرار داشته و در تکنیک‌های خود و در دیالوگ‌های سنتی‌تر است. چند سالی می‌شود که برخی از انتشارات مانند اورست، برونیو و اخیراً انایا، در فعالیت‌های خود، چاپ مجموعه‌های تخصصی از ادبیات نمایشی را هم جای داده‌اند. از بین نویسندگان، می‌توان **فرناندو آلما** (Fernando Almena)، **لونیس ماتیا** (Luis Matilla)، **آلفونسو سورو** (Alfonso Zurro)، **فرانسیسکو کانایس** (Francisco Cañas) و **خوسه گونسالس توریسیسز** (José González Torices) را نام برد. در این جا به سه رمان قابل توجه می‌پردازیم. اولین آن‌ها طلای رویاها، از **خوسه ماریامرینو** (José María Merina) (مادرید: آناگوارا: ۱۹۸۶) است. این نخستین جلد از سه گانه «گزارشات دورگه» است که در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ نگاشته

هر موقعیت داستان، به ما اثبات می‌کند که ادبیات کودک می‌تواند جهانی باشد و سادگی، مترادف با معمولی و پیش پا افتاده بودن نیست. یک نمونه از ادبیات با کیفیت که زندگی کردن را می‌آموزد و بالاخص خواندن را

زاپاتونس، از **پیلار ماتئوس** (Pilar Mateos) با تصویرسازی‌های **آلفونسو روانو** (Alfonso Ruano) (مادرید SM ۱۹۸۸) است.

این کتاب یک مجموعه تصویرسازی شده است که داستانی تخیلی را روایت می‌کند. همچنین از مکانیسم‌های پوچی، برای صحبت از یک مشکل واقعی استفاده می‌کند: احساس متفاوت بودن یک کودک، به سبب یک نقص یا یک ویژگی غیر عادی و تنهایی حاصل از این وضعیت. در این مورد، داستان کودکی را روایت می‌کند که پاهایش به طور اغراق‌آمیزی رشد می‌کند؛ مسئله‌ای که باعث می‌شود موقعیت‌های طنزآمیز و تمسخرآمیزی که بدون شک باعث آزار زاپاتونس و احساس متفاوت بودن و تنها ماندن او در دنیا می‌شود، به وجود بیایند. این کتاب سرشار از شخصیت‌ها و صحنه‌های تخیلی و سوررئالیستی و رؤیاهاست.

زاپاتونس به این نتیجه می‌رسد که خاص بودن او، فوایدی هم به همراه دارد؛ باد او را به دنبال خود نمی‌کشاند، می‌تواند اسکی آبی بازی کند و غیره... به طوری که بالاخره وقتی خود را از سوی دیگران پذیرفته شده می‌بیند، تفاوت خود را از مثبت‌ترین جنبه‌اش می‌نگرد.

یک مجموعه تصویرگری شده فوق‌العاده که تصویرهای آلفونسو روانو (Alfonso Ruano)، با صبغه سوررئالیستی خود، مفهوم متن داستان را آشکارتر و قدرتمندتر می‌کند. کتابی که حدود بیست سال پیش نوشته شده، ولی در تمامی ابعاد فوق‌العاده است و واقعا ارزش خواندن و بازخوانی دارد.

سه قول به او بدهد: تخم را نخورد، از جوجه‌ای که از آن متولد می‌شود، مراقبت کند و به او پرواز کردن را بیاموزد. زرباس هم که گربه خوبی است، به قولی که به آن مرغ دریایی داده وفادار می‌ماند و کارهایی را که از او خواسته شده بود، به همراهی گربه‌های دیگری مثل سکر تارویو (منشی)، سابلوتودو (دانای مطلق)، کولینو و بارلودتو انجام می‌دهد. خوش شانس با مراقبت‌های این گربه‌ها که از او محافظت می‌کنند و به او غذا می‌دهند و دست نوازش بر سرش می‌کشند، رشد می‌کند تا این که به زمان یادگیری پرواز می‌رسد؛ کاری که بسیار دشوار است. گربه‌ها هرچه تلاش می‌کنند، موفق نمی‌شوند که به خوش شانس پرواز یاد بدهند. به همین دلیل، تصمیم می‌گیرند به سراغ آدم‌ها بروند و از آن‌ها کمک بگیرند. سرانجام به یاری یک شاعر، ولی بیش از هر چیز اشتیاق به پرواز و شجاعت خود «خوش‌شانس»، او گام نهایی را برمی‌دارد و موفق می‌شود. در عمق این اثر، برخورد دو دنیای متفاوت نهفته است؛ دنیای مرغان دریایی و گربه‌ها، با روش‌های متفاوت زندگی، ولی در عین حال قادر به همکاری و تفاهم متقابل. یک تجربه خاص انسانی (در حقیقت، تجربه بلوغ شخصیتی) که توسط حیوانات بیان شده (در آثار داستانی گذشته، از حیوانات به عنوان نمادی از شخصیت انسانی استفاده می‌شد) و از طریق یک نثر خالص و بسیار ماهرانه روایت شده است. **لوتیس سپولورا** داستانی نگاه‌شده هزار چهره و هیجانی، ولی نه احساساتی و ترجم برانگیز؛ ساده، ولی غنی از نظر ساختاری؛ مصرّ در اعتراض خود، ولی نه به شیوه انتقادی. داستانی غم‌انگیز، ولی در عین حال خنده‌دار؛ با پیامی آشکار که در طی فراز و نشیب‌های موضوعی داستان به چشم می‌خورد. اثری باز که در هر یک از صفحاتش، شخصیت‌ها، زبان و هزاران نکته از